



مجموعه جزوات
رهنمودهای امام خامنه‌ای (مدظله)
در باب حوزه و روحانیت

منش طلبگی

شماره دوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزیده‌ی رهنمودهای
امام خامنه‌ای (مدظله)



در باب
منش طلبگی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) در سخنرانی‌های متعددی به تبیین نقش روحانیت در جمهوری اسلامی ایران و الزامات و اقتضائات منش طلبگی پرداخته‌اند. "موسسه وارثین" با همکاری جمعی از طلاب حوزه‌ی علمیه آیت‌الله قاضی (ره) دزفول اقدام به تولید سلسله‌ی جزواتی در این موضوع کرده است که در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.
نظرات خود را با ما در میان بگذارید :

Reddawn.blog.ir
Jozveh88.blog.ir
Vareseen.ir

تذکره: لازم به ذکر است که رهنمودهای امام خامنه‌ای از میان سال‌های ابتدایی رهبری ایشان تا سال ۱۳۹۳ بوده و بدیهی است که بعضی از مشکلات مورد اشاره مرتفع گردیده. از طرفی بعضا مطالبی بیان شده که برای خواص و نخبگان حوزه بوده از این روی توجه به مخاطبین دیدارها ضروری است.



طیب دوآر بطبه

بیانات در دیدار اعضای نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها ۱۳۸۹/۰۴/۲۰

یکی از چیزهایی که به نظر من به شما کمک میکند، این چیزی است که در مورد نبی مکرم، امیرالمؤمنین فرمود: "طیب دوآر بطبه قد احکم مراهمه و احمی مواسمه". نباید پشت میز و توی اتاق حبس شد. شکل اداری پیدا کردن ما مجموعه‌ی روحانی و مجموعه‌ی آخوند، به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم، این حالت طلبگی خودمان، حالت آخوندی خودمان، حالت روحانی خودمان را - که انس با مردم، رفتن میان مردم، گفتن به زبان مردم، شنیدن درد دل مردم است - باید از دست ندهیم.

البته ما هر دو جورش را در بین روحانیون دیده‌ایم. کسانی بوده‌اند که هیچ سمت رسمی و اداری و اینها هم نداشتند، در عین حال رفتارشان با مردمی که با آنها مواجه بودند، مثل رفتار یک آدم اداری، خشک، بی‌انعطاف، بی‌توجه، بی‌محبت و بی‌لبخند بوده است. عکسش را هم دیده‌ایم. کسانی هم بوده‌اند که مسئولیتهای اداری داشتند، اما در همان گوشه‌ای و ضلعی که با مردم تماس پیدا میکردند، رفتار محبت‌آمیز، رفتار پدران، رفتار مشفقانه و دلسوزانه با مردم داشتند؛ این خوب است، این درست است. پس این هم یک مسئله است؛ یعنی حبس نشدن مجموعه در قالبهای سازمانی. نه اینکه من با سازماندهی مخالف باشم؛ نه، بدون سازماندهی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمیرود. نخیر، بنده معتقد به نظم سازمانی هستم؛ اما معتقدم که این نظم سازمانی نباید ما را از هویت خودمان خارج کند. ما در همه صورت

روحانی هستیم. بایستی با همان منش روحانی، به شکل روحانی‌ای که در عالم شیعه وجود دارد، مشی کنیم. البته این حالت در مذاهب و ادیان دیگر هم بکلی منتفی نیست؛ یک جاهائی وجود دارد، برای آنها خیلی هم خوب است؛ اما حالا در بین شیعه یک سنتی است. این حالتی که در بین روحانیت شیعه وجود داشته - اینکه با مردم مأنوس است، از مردم مرتزق است، نسبت به مردم مشفق است، دردهای مردم دردهای اوست - این را باید حفظ کنید؛ این چیز خیلی مهمی است.

حساب خاص

بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۷

روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می‌کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب

این حالتی که در بین
روحانیت شیعه وجود
داشته - اینکه با مردم
مأنوس است، از مردم
مرتزق است، نسبت به
مردم مشفق است،
دردهای مردم دردهای
اوست - این را باید
حفظ کنید؛ این چیز
خیلی مهمی است.



امام سجاد (سلام الله علیه)

در یکی از ادعیه ی
صحیفه ی ثانیه ی
سجادیه از خدای
متعال شش چیز
می خواهد، که یکی اش
این است “و لَبَّأ رَاجِحاً”
باطنم از ظاهرم بهتر
باشد.

خاصی برای ما باز می کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می کنند، خیال می کنند ماها نمی کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی دهند، خیال می کنند ما انجام می دهیم؛ خیال می کنند ماها دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار - که غالباً از آن غفلت می شود - هستیم؛ یک چنین تصوراتی درباره ی ما دارند. البته این تصورات را نباید تقویت کرد. امام سجاد (سلام الله علیه) در یکی از ادعیه ی صحیفه ی ثانیه ی سجادیه از خدای متعال شش چیز می خواهد، که یکی اش این است “و لَبَّأ رَاجِحاً” باطنم از ظاهرم بهتر باشد. ماها در این زمینه گرفتاریم. باید باطنمان از ظاهرمان بهتر باشد. این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با

سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زیّ طلبگی است. نمی گوئیم عبای پاره به دشمنان ببندازیم؛ معنای زیّ طلبگی این نیست. معنایش این است که در دنیا طلبی مثل دنیا طلبان عمل نکنیم؛ هر چه هوس کردیم، بخواهیم. من قبلها روایتی دیدم که هر کس هر چه دلش خواست بیوشد، هر چه دلش خواست بخورد و هر مرکوبی که دلش خواست سوار شود، این شخص پیش خدای متعال ملعون است. این شأن پولدارها و پول پرستهاست. ما هم فلان چیز را هوس می کنیم، اما حالا پول نداریم، به مجردی که پول گیرمان آمد، فوراً می رویم آن را تهیه می کنیم؛ منتظریم که از این صد جزء اشراقیگری، وقتی این یک جزئش فراهم شد، نود و نه جزء دیگر را هم در فرصتهای دیگر همین طور بتدریج فراهم کنیم. این شأن طلبگی نیست. شأن طلبگی این است که انسان یک زیّ متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد.

عقیدتی سیاسی

بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی ۱۳۸۳/۱۰/۲۳

حضور مجموعه یی به نام عقیدتی، سیاسی در نیروهای مسلح، یکی از الهامات الهی و از برکات پروردگار بر امام بزرگوار ما و مجموعه ی دست اندرکار امور کشور بود. نقش روحانیون، نقش هدایت و دستگیری معنوی است. همه به روحانی احتیاج دارند - همچنان که به طبیب احتیاج دارند - و اگر روحانی در هر نقطه یی به وظایف خود عمل کند، آن جا را از لحاظ معنوی آباد خواهد کرد. گاهی وجود ما عمامه یی ها در جاهایی بی اثر می شود، یا احیاناً خدای ناکرده اثرهای منفی بر جای می گذارد؛ این به خاطر این است که ما

در آن مورد با وظایف و هویت و منش یک روحانی ظاهر نشده‌ایم. در طول سالهای متمادی عمر روحانیت شیعه، هرجا روحانیون با منش و هویت روحانی خود ظاهر شده‌اند، برکاتی بر جای گذاشته‌اند؛ چه در میدان سیاست، چه در میدان معنویت، چه در میدان‌های مربوط به رزم و دفاع از کشور و امنیت، و چه در هر میدان دیگری. شأن روحانی این است. نمی‌خواهم ادعا کنم که حضور روحانیون در نیروهای مسلح در سالهای بعد از انقلاب صدرصد همان طوری بوده است که از ماها انتظار می‌رفته؛ اما می‌خواهم این را عرض کنم که در مجموعه‌ی بزرگ نیروهای مسلح، هرجا علما، روحانیون، فضلا و طلاب جوان با همان منش روحانی حضور داشته‌اند، تأثیرات بسیار گرانبهایی بر جای گذاشته‌اند.

ابرو گشاده

بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی ۱۳۸۳/۱۰/۲۳

منش روحانی نباید فرماندهی باشد؛ هرچند تشریفات فرماندهی اصلاً مردمی محض است. شما فرض کنید در فلان محله‌ی تهران یا هر شهر دیگری پیش نماز یک مسجد هستید. پیش نماز یک مسجد چگونه رفتار می‌کند؟ با امر و نهی و پُسر و پیشرو رفتار می‌کند؟

بنده خودم سالها پیش

” نمازی کرده‌ام؛ می‌دانم

انسان چگونه باید با

مردم رفتار کند. وقتی

نماز تمام می‌شد،

برمی‌گشتم رو به مردم

می‌نشستم. تسبیحات

حضرت زهرا را هم که

می‌گفتم، افراد

می‌آمدند و می‌دیدند

راه باز است. جوان

می‌آمد، مزلف می‌آمد،

بازاری می‌آمد،

” ریش دار می‌آمد،

بی‌ریش می‌آمد.

اگر بکند، مردم به نمازش نمی‌آیند. همیشه گرم‌ترین نماز جماعت‌ها متعلق به پیش نمازهای مردمی است: با مردم گرم می‌گیرند؛ با مردم خوش اخلاقی می‌کنند؛ بی‌حوصلگی نشان نمی‌دهند؛ بدخلقی نشان نمی‌دهند، جواب مسأله‌شان را می‌دهند؛ یک وقت اگر کسی بیماری و مشکلی داشته باشد، اگر با پول نتوانند، با اخلاق آن مشکل را تسکین می‌دهند. گفت:

چو وا نمی‌کنی گرهی خود گره مباش

ابرو گشاده باش چو دستت گشاده نیست

به عنوان آخوندی، دست ما گشاده نیست؛ اما ابرویمان که می‌تواند گشاده باشد. بنده خودم سالها پیش نمازی کرده‌ام؛ می‌دانم انسان چگونه باید با مردم رفتار کند. وقتی نماز تمام می‌شد، برمی‌گشتم رو به مردم می‌نشستم. تسبیحات حضرت زهرا را هم که می‌گفتم، افراد می‌آمدند و می‌دیدند راه باز است. جوان می‌آمد، مزلف می‌آمد، بازاری می‌آمد، ریش‌دار می‌آمد، بی‌ریش می‌آمد. آن زمان،

پوشیدن پوستین های وارونه در میان جوانهای بیتل مد شده بود. یک روز رفته نماز، دیدم یکی از همین جوانهای آلامد که موهایش را روغن زده، آمده و صف اول کنار متدینین و بازاری های خوب و افراد محاسن سفید نشسته. احساس کردم این جوان با من حرفی دارد. نشستم و به او پاسخ نگاه دادم؛ یعنی اجازه دادم بیاید حرفش را بزند. جلو آمد و گفت آقا! من صف اول بنشینم، اشکال دارد؟ گفتم نه، چه اشکالی دارد؟ شما هم مثل بقیه. گفت: این آقایان می گویند اشکال دارد. گفتم: این آقایان بیخود می گویند! این جوان، دیگر از این مسجد پا نمی کشد. این جوان، دیگر از این پیش نماز دل نمی کند. همین طور هم بود؛ از ما دل نمی کنند. بنده وقتی مسجد می رفتم، در میان صد نفر، اقلأ نود نفرش جوانها بودند. بنده هیچ چیز خاصی نداشتیم؛ نه یک مایه ی آن چنانی معنوی، نه یک مایه ی دنیوی؛ اما با مردم بودم.

” من زیّ طلبگی را در دو جمله می توانم معرفی کنم: پارسایی با عزّت، و نظم در تحصیل و زندگی.“

پارسایی و نظم

بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

دوم، حفظ زیّ طلبگی است. زیّ طلبگی چیست؟ من زیّ طلبگی را در دو جمله می توانم معرفی کنم: پارسایی با عزّت، و نظم در تحصیل و زندگی. طلبه، پارساگونه زندگی می کند. البته من از اوضاع مادی حوزه ی علمیه، حقیقتاً آشفته و ناراحتیم. از مشکلاتی که بسیاری از طلاب و فضلا با آن دست و پنجه نرم می کنند - مشکلات مادی - مطلعیم. گاهی اوقات بعضی از این اطلاعات برای من بسیار تلخ و گزنده است. البته آن مقوله ی دیگری است که واقعاً باید برایش فکری کرد. امروز حقیقتاً طلاب علوم دینی از همه ی طبقات جامعه - حتی از کارمند و از کارگر و از دیگران - از لحاظ حظّ معیشتی پایین ترند - این یک واقعیت است - در حالی که یکی از بزرگترین و شریفترین کارها را اینها انجام می دهند. از ظواهر هم چندان چیزی نمی شود فهمید. همان عزّت نفس و مناعتی که طلاب علوم دینی از گذشته با آن سرافراز بوده اند، نمی گذارد آدمهای سطحی و ظاهرین، بسیاری از بواطن امر را ببینند و بشناسند. من نمی خواهم آن مقوله را با این مقوله مخلوط کنم. آنی که حالا عرض می کنم، این است که طلاب - چه آنهایی که برخوردارند، چه آنهایی که دچار سختیهایی هستند - باید زیّ طلبگی شان محفوظ بماند؛ یعنی حالت پارسایی و قناعت، همراه با عزّت نفس؛ این یک. دوم، نظم در تحصیل و به تبع آن نظم در زندگی؛ که خصوصیت طلبگی نظم است.

عملای ثابت می کنند

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۴/۱۰/۲۷

مبلّغ دین و مبیین معارف دینی، باید به زبان اکتفا نکند؛ بلکه عمل او هم باید ایمان و اخلاص و صفایش را در بیان این حقیقت برای مخاطب ثابت کند و نشان دهد. این که مشاهده می کنید در هر کاری که علمای دین پیشگام باشند، مردم پاسخ مثبت می دهند و اجابت می کنند و جمع می شوند و عمل می کنند - چه جبهه باشد، چه امر سیاست و چه خود انقلاب - به خاطر این است که این لباس و شغل و زی، به خاطر عمل اخیار و نیکانی که قبل از ما بوده اند، توانسته است ایمان مردم را به خود متوجّه و جلب کند. این، اخلاص علمای گذشته و بزرگان ماست و سرمایه‌ی ارزشمندی محسوب می شود. باید این را حفظ کنیم. وقتی علمای دین، چنین ایمان و اخلاصی را از خود نشان می دهند و عملاً برای مردم ثابت می کنند، کار هدایت آنها را آسان می سازند.

گت کرده

بیانات در دیدار روحانیون تیپ مستقل ۸۳ امام جعفر صادق(ع) ۱۳۷۰/۰۹/۱۱

رعایت ظواهر نظامی، خیلی مهم است. بدون شک، در امر نظامی، ظواهر عنوان بواطن است. یعنی اگر آن شخص نظامی که جلوی شما می آید، چنانچه دیدید یقه اش باز است، یا دکمه اش افتاده، بدانید که او قطعاً در میدان جنگ کم خواهد آورد. نه این که اگر یقه اش بسته بود و دکمه اش نیفتاده بود، کار را تمام خواهد کرد؛ نه، این جزو موضوع است؛ تمام موضوع نیست. یعنی اگر همه چیزش تکمیل باشد، اما مثلاً وقتی پیش شما می آید، ببینید بند پوتینش باز یا شل است، یقین کنید که او در میدان جنگ، آن کاری که شما می خواهید، نخواهد کرد. باید کارش شسته، رفته، مرتب، منظم و پُروپیمان - در همان زی بی که از او متوقع است - باشد. البته ممکن است از طلبه‌ی نظامی زی خاصی متوقع باشد؛ آن زی را مشخص کنید، تا همان زی را داشته باشد.

در همین راه

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان لرستان ۱۳۷۰/۰۵/۳۰

خداوند ان شاء الله توفیق انجام وظیفه و اهتدا به وظیفه به ما عنایت کند؛ ما را هرگز از این زی مقدس روحانی جدا

یعنی اگر آن شخص نظامی که جلوی شما می آید، چنانچه دیدید یقه اش باز است، یا دکمه اش افتاده، بدانید که او قطعاً در میدان جنگ کم خواهد آورد.



نکند؛ ما را در راه خدمت به دین و خدمت به این رشته‌ی مقدس و افتخارآمیز، زنده بدارد و در همین راه هم بمیراند.

ذخیره‌ی هزار ساله

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۶۹/۱۲/۲۲

اگر خدای نکرده بر اثر بی توجهی‌ها، غفلت‌ها، وقت‌شناسی‌ها، وظیفه‌شناسی‌ها و منحرف شدن از خط معمولی روحانیت در طول هزار سال، آن ذخیره‌ی هزارساله آسیب ببیند؛ آن الماس گرانبهایی که بر اثر گذشت قرن‌ها و عصرها و دوره‌ها و مجاهدتها و اخلاص‌ها به وجود آمده بود، خدشه دار شود، یا بشکند، باز روزگار زیادی لازم خواهد بود، تا بشود آن چنان ذخیره‌یی را فراهم آورد. پس، در این روزگار، اولین باید ما معلمان و متزییان به زیّ علم و روحانیت، حفظ آن آبرو و حیثیت هزارساله است که بحمدالله در طول دوران انقلاب، این آبرو مضاعف شد و چهره‌ی روحانیت شیعه، به خاطر گذشت و فداکاری، درخشندگی پیدا کرد.

در همه جای عالم،
فاصله‌ی میان زندگی
رؤسای کشور با مردم
کوچه و بازار، فاصله‌ی
شاه و گداست و حتی
حکومتهایی هم که
داعیه‌ی توده‌یی
داشتند، نتوانستند از
زندگی مسرفانه‌ی
شاهان برای خود
صرف‌نظر کنند. افتخار
نظام اسلامی آن است
که امام عظیم‌الشأنش
تا پایان عمر در زیّ
طلبگی زندگی کرد.

همچون مردم

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۹/۰۲/۱۰

در همه جای عالم، فاصله‌ی میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌ی شاه و گداست و حتی حکومتهایی هم که داعیه‌ی توده‌یی داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه‌ی شاهان برای خود صرف‌نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشأنش تا پایان عمر در زیّ طلبگی زندگی کرد و مسؤولان کشور بدون استثنا، دامن خود را از طرز زندگی‌های رایج مسؤولان در سایر کشورها پاکیزه نگه‌داشتند و مانند قشرهای متوسط مردم خود زندگی کرده‌اند. مردم میان خود و مسؤولان، آن فاصله‌ی عمیقی را که در همه جای دنیا میان مردم و مسؤولان هست، مشاهده نکردند.

لباس علم

بیانات در مراسم عمامه‌گذاری جمعی از طلاب ۱۳۶۸/۱۰/۲۶

هر چند که ورود در رشته‌ی تحصیل علوم دینی و طلبه شدن، یک مرحله‌ی سرنوشت‌ساز و مهمی محسوب می‌شود و طلبه‌ی با عمامه و بی‌عمامه، هر دو گونه‌اش را داریم؛ لیکن نفس تلبس به لباس روحانیت و اهل علم دینی و گذاشتن عمامه هم خودش مرحله‌ی است و بسیار حایز اهمیت می‌باشد. تا شما عمامه سرتان نیست، مردم یک‌طور از شما توقع دارند؛ اما وقتی عمامه بر سر گذاشتید، این توقع‌طور دیگری خواهد شد.

این لباس، هزار سال است که لباس علم می‌باشد. نمی‌گوییم که فقط علما این لباس را داشتند؛ نه، هزار سال است که زیّ اهل علم در روحانیت شیعه، از زمان شیخ مفید و شیخ طوسی تا حالا، محور و مرکز امید مردم برای امور بوده است.

اگر ...

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۶۸/۰۵/۱۱

امروز، اگر روحانیت از زیّ خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوء استفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از اینها لطمه‌اش غیرقابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره‌ی قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره‌ی قبل از انقلاب هم، اگر از یک روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همه‌ی روحانیت سرایت می‌کرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر اسلام هستند، ضایعه فقط متوجه جمعی از روحانیون - یا حتی جمع روحانیت - نمی‌شود؛ بلکه ضایعه متوجه اسلام می‌شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود.

در این زمینه، امام بزرگوارمان خیلی توصیه‌های آموزنده کردند. باید حفظ زیّ روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا

این لباس، هزار سال است که لباس علم می‌باشد. نمی‌گوییم که فقط علما این لباس را داشتند؛ نه، هزار سال است که زیّ اهل علم در روحانیت شیعه، از زمان شیخ مفید و شیخ طوسی تا حالا، محور و مرکز امید مردم برای امور بوده است.

و ورع و ایمان و پابندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تأکید و توجه قرار بگیرد.

استحکام معنوی

بیانات در مراسم بیعت طلاب و روحانیون ۱۳۶۸/۰۴/۰۴

تکلیف ما جامعه‌ی روحانیت - که بنده هم طلبه‌یی در این مجموعه‌ی عظیم روحانی هستم - این است که هرچه توان داریم، بر استحکام معنوی جامعه‌ی علمی روحانیت بیفزاییم. علمای محترم در این زمینه، عملاً و فکراً و مشیاً و زیئاً وارد شوند؛ زیرا آبروی روحانیت، آبروی اسلام و انقلاب - بخصوص آبروی امام - است.

این یکی از چیزهای معمولی و رایج است که وضو بگیرند بروند درس. درس را آن روزی که در حوزه‌ها هیچ امتحانی وجود نداشت و هیچکس از کسی نمی‌پرسید که شما چقدر درس خواندید و بیا ببینم چی خواندید.

شما درس را بدون امتحان خواندید

بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح ۱۳۶۴/۰۹/۲۶

درس در حوزه‌های علمیه یک عبادت محسوب می‌شود. تربیت طلبگی از اول این است، درس یک عمل عبادی است. لازمه‌اش این است که این کار مقدس به حساب بیاید. اساتیدی که قبل از درس وضو می‌گیرند تا با وضو بروند سر درس و طلابی که پیش از رفتن به جلسه‌ی درس وضو می‌گیرند تا با وضو در درس حاضر بشوند، در حوزه‌ها کم نیستند. این یکی از چیزهای معمولی و رایج است که وضو بگیرند بروند درس. درس را آن روزی که در حوزه‌ها هیچ امتحانی وجود نداشت و هیچکس از کسی نمی‌پرسید که شما چقدر درس خواندید و بیا ببینم چی خواندید. درس را در همان روزها هم طلبه‌ی حوزه با شوق و رغبت و به صورت خستگی‌ناپذیر و با فراموش کردن بسیاری از جلوه‌های زندگی دنبال می‌کرد هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی معنوی و اخروی و الهی نمی‌تواند یک طالب علم را آن وقتی که از او نمی‌پرسند آقا شما چی خواندید و پیش کی خواندی؟ اینجور وادار به درس خواندن نمی‌کند. ما متأسفانه یک تحلیل درست و حسابی از زندگی طلبگی نداریم.

آقا شما برای چی آمدی؟

بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح ۱۳۶۴/۰۹/۲۶

عبادت دانستن درس و به عنوان یک کار عبادی یک وظیفه‌ی شرعی و الهی درس خواندن این یک چیز فوق‌العاده مهمی در حوزه‌های علمیه هنوز هم هست. هنوز هم شما ببینید آن جوانی که پا می‌شود می‌رود طلبه می‌شود، از دانشگاه می‌رود، از دبیرستان می‌رود، از روستا می‌رود، از شهر می‌رود. می‌روند طلبه می‌شوند. وقتی که شما بروید از او بپرسید چرا طلبه شدی؟ می‌خواهی چکار بکنی؟ می‌بینی که این، یک هدف معنوی این را کشانده آورده، البته استثنا دارد. مواردی ممکن است کسانی استثنا باشند، انگیزه‌های دیگر داشته باشند اما روال این است، رنگ عمومی این است. به دنبال یک هدف معنوی آمده. می‌گوید آدم اسلام را بفهمم، اسلام را تحقیق کنم. آدم راهنمایی کنم مردم را، یاد بگیرم راهنمایی کنم مردم را. اصلاً از اول انگیزه این است. در حالی که در دانشگاه قبلی ما و فرهنگ دانشگاهی ما این نبود. اگر از یک دانشجو می‌پرسیدند آقا شما چرا آمدی دانشجو بشوید؟ می‌گفت، آدم تا یک شغل خوب پیدا کنم، آدم بشوم مثلاً پزشک، بشوم مهندس، بشوم نمی‌دانم چه، و هیچ ابائی نبود از این که بگوید که آدم تا یک مثلاً درآمد خوبی در آینده داشته باشم، زندگی‌ام را می‌خواهم خوب تأمین بکنم. در عرف حوزه‌ی علمیه این عیب است، اگر از یک طلبه‌ای بپرسند آقا شما برای چی آمدی؟ اگر در دلش هم تأمین زندگی آینده باشد،

جرات نمی‌کند به زبان بیاورد، این یک عیب محسوب می‌شود که یک نفر بیاید طلبه بشود برای این که زندگی‌اش را تأمین بکند! این یک ارزش منفی است، یک نقطه‌ی منفی و سیاه است. ببینید همین خُلق، همین روحیه، اگر بیاید توی دانشگاه، اگر ما بتوانیم همین یک قدم را برداریم؛ کانال بزنی بین حوزه و دانشگاه روحیه‌ی درس را، عبادت دانستن و به عنوان وظیفه‌ی الهی انجام دادن، این را ما منتقلش کنیم به دانشگاه که البته این انتقال کار آسانی هم نیست. اما ببینید چه قیامت عظیمی برپا خواهد شد.

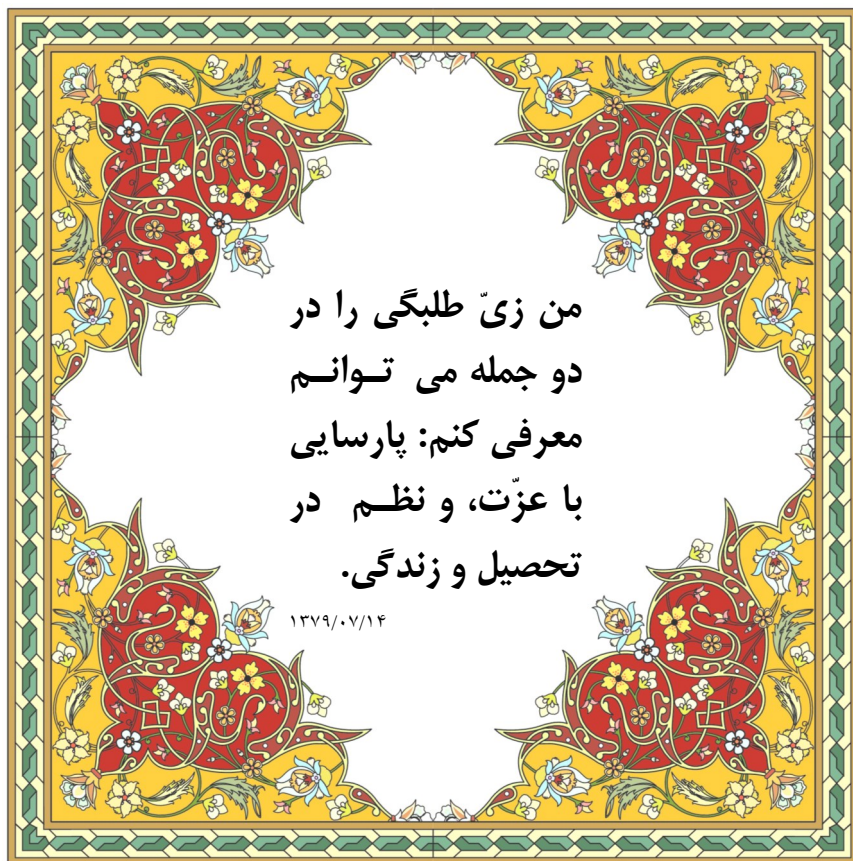
از همین جزوات:

۱. آبروی روحانیت
۲. منش طلبگی
۳. اسلام منهای روحانیت
۴. تحول در حوزه
۵. استعداد‌های ناشناخته‌ی حوزه

jozveh88.blog.ir

اگر بیاید توی دانشگاه،
اگر ما بتوانیم همین
یک قدم را برداریم؛
کانال بزنی بین حوزه و
دانشگاه روحیه‌ی درس
را، عبادت دانستن و به
عنوان وظیفه‌ی الهی
انجام دادن، این را ما
منتقلش کنیم به
دانشگاه که البته این
انتقال کار آسانی هم
نیست. اما ببینید چه
قیامت عظیمی برپا
خواهد شد.





من زیّ طلبگی را در
دو جمله می توانم
معرفی کنم: پارسایی
با عزّت، و نظم در
تحصیل و زندگی.

۱۳۷۹/۰۷/۱۴

وارثین؛ مرکز توزیع محصولات جبهه ی فرهنگی انقلاب اسلامی؛
دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، کوچه ی شهدا، روبروی مسجد
لب خندق، تلفن: ۰۶۴۱۲۲۵۴۵۵۶ و ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴

Vareseen.ir